



## بیانات مقام معظم رهبری در دیدار با جمعی از فرماندهان و پرسنل نیروی انتظامی - 25 / تیر / 1376

بسم الله الرحمن الرحيم

برادران عزیز؛ خیلی خوش آمدید. امیدواریم که خدای متعال همه شما را مشمول لطف و امان در رحمت خود در دنیا و آخرت قرار دهد. ترکیب هم ترکیب متناسبی است؛ هم نیروی انتظامی که مسؤول امنیت فضای زندگی و جان و مال مردم در سراسر کشور است، هم سازمان تأمین اجتماعی که آن هم مسؤول امنیت بخشیدن به طبقات ضعیف و مستمند است.

یک جمله راجع به این سازمان عرض کنیم، و آن، این است که نظام جمهوری اسلامی، نظامی است که اساساً با تأمین اجتماعی به این صورتی که امروز در دنیا رایج است، موافق است؛ در شمار آن نظامهایی نیست که به شکل فلسفی و زیربنایی، با کارهای تأمین در جامعه مخالفند. ما معتقدیم که مسؤولان کشور و دولت جمهوری اسلامی، باید به شکل ویژه ای، طبقاتی را که نیازمند کمک هستند، مشمول کمک رسانی کنند که این، در سازمان تأمین اجتماعی، به صورت بیمه های اجتماعی و کارهای تأمین گوناگون انجام می گیرد. بنابراین، این کار با اساس و فلسفه نظام اسلامی منطبق است و هر چه تلاش شود، ابتکار عمل به خرج داده شود، پوشش به شکل صحیحی گسترش یابد و نوع کمک رسانیها طوری باشد که خانواده ها را به تلاش متناسب وادار کند و در جامعه رکود به وجود نیارد، بلکه حرکت ایجاد نماید، این با اهداف نظام جمهوری اسلامی منطبقتر خواهد بود. دولت هم باید ان شاءالله کمک کند تا قشرهایی که در پوشش تأمین اجتماعی هستند - مثل بازنشستگان - هر کدام به نحوی مورد اعتنا و توجه ویژه قرار گیرند. بازنشستگان، نیروی فعاله کشور در اندکی پیش از این هستند که تلاش کرده اند، زحمت کشیده اند، بسیاری از آنها شب و روز و عمر و جوانی خود را صرف کار کرده اند و باید کشور به این تلاش و به این زحمتکشی مستمر دوران عمر پاسخ گوید. این را هم بدانید که وضع فعلی بازنشستگان، در واقع همیشه به صورت یک الگو در مقابل چشم کارکنان فعلی دولت قرار خواهد گرفت. هرچه وضع بازنشستگان در کشور بهتر باشد، کارکنان فعلی دولت با دلگرمی بیشتری کار خواهند کرد؛ چون می دانند فردا که به آن وضع رسیدند، اوضاعشان خوب خواهد گذشت. اگر خدای ناکرده نسبت به بازنشستگان بی اعتنائی، بی احترامی و بی توجهی شود و آنها دچار مشکل شوند، این آیینه فردای کارکنان امروز خواهد بود. یعنی نگاه می کنند، می بینند که فردایشان این است؛ از کار دلزده خواهند شد و به کارهای نامتناسب با شغل خود روی خواهند آورد. لذاست که دستگاه دولتی باید به صورت اساسی به مسأله بازنشستگان - بخصوص کسانی که در پوشش سازمان تأمین اجتماعی و سازمانهای دولتی، بیمه و تأمین هستند - توجه و به صورت ویژه به آنها رسیدگی کند.

مسأله نیروی انتظامی، البته یک مسأله اساسی و مهم است. اگر ما بخواهیم ضروریات زندگی بشر را در فصول عمده خلاصه کنیم و مثلاً به دو فصل، سه فصل و حداکثر به چهار فصل برسیم، یک فصل از این چند فصل، فصل «امنیت» است. بدون امنیت، نه خوراک لذتی می بخشد، نه خانواده انسی ایجاد می کند و نه شغل و درآمد فایده ای می دهد. امنیت که نبود، هیچ چیز نیست. امنیت، مثل هوا برای انسان، به طور مستمر لازم است. اگر جامعه امنیت نداشته باشد، حالت اختناق پیدا می کند؛ مثل مجموعه ای که هوا در اختیار نداشته باشد. این، اهمیت امنیت است. امنیت هم متعلق به همه است. امنیت تهران، واجبتر از امنیت مردم مرزنشین جنوب و شرق و غرب کشور نیست. امنیت افراد مرفه که از سرمایه و امکاناتی برخوردارند، واجبتر از امنیت آن کارگری که چشمش به مزد روزانه است، نیست. لذا امنیت، متعلق به همه است؛ نیروی انتظامی هم متعلق به همه است.

نکته ای را فرمانده محترم نیروی انتظامی ذکر کردند که نکته درستی است و آن، این است که اساس نیروی انتظامی در دوران رژیم غیر مردمی و طاغوتی، برای حفظ امنیت طبقات ویژه بود و بقیه مردم هر چه بر سرشان می آمد،



اهمیتی نداشت! من در همان زمان رژیم گذشته، در مناطق مرزی کشور به صورت تبعید زندگی می‌کردم و می‌دیدم که وضع آن جا چگونه بود. در آن جا، امنیت به دست گردن کلفتها و باج بگیرهای منطقه سپرده شده بود. امنیت، عبارت بود از امنیت خوانین و بزرگان و سرمایه داران منطقه و دیگران حقی از آن نداشتند. به همین خاطر، اگر در مناطق مختلف این کشور و بخصوص در دوردستها، آدم متنقذی، نوکران، کارگران و زیردستان خود را می‌زد، می‌کشت، حبس می‌کرد، از زندگی و هستی می‌انداخت و امنیت آنها و زن و فرزندشان را صلب می‌نمود، ایرادی نبود و کسی نمی‌گفت که شما چرا این کار را کردید! اگر به پاسگاه هم شکایت می‌کردند، شکایت کننده محکوم می‌شد! یعنی امنیت، امنیت طبقات ویژه بود، نه امنیت عمومی.

گیرم که فرضاً در شهرهای بزرگ مثل تهران و بعضی شهرهای دیگر، پلیس، بازارها و کوچه‌ها و خیابانها را در همه جا زیر نظر داشت؛ اما در حقیقت این دستگاه عظیمی که در آن زمان برای امنیت کشور فراهم و طراحی شده بود، هدفش آن بود. در داخل نیروهای انتظامی آن روز، عناصر مؤمن و با اخلاص و خدوم و زحمتکش کم نبودند - ما از نزدیک آنها را می‌شناختیم؛ مردمان خوب خیلی بودند - لیکن سردمداران، امنیت را برای عموم نمی‌خواستند. در نظام اسلامی، قضیه این طور نیست. امنیت، امنیت عموم مردم است. در همه شؤون زندگی، امنیت یک ضرورت برای انسان است. در دوران عبادت، در دوران سازندگی، در دوران تجارت و در هر فعالیتی که انسان بخواهد بکند، محتاج امنیت است. این جاست که اهمیت نیروی انتظامی معلوم می‌شود. شما برادران نیروی انتظامی، هر چه از لحاظ اقتدار و سرپنجه قدرتمندی که بتواند عناصر مخلّ امنیت را در کشور تعقیب کند، و نیز از لحاظ اخلاق و شرافت و نجابت و امانت و پاکدامنی، بر کیفیت خودتان بیفزایید، زیادی نشده است. نیروی انتظامی نظام اسلامی، همان طور که این آقایان در سرودشان می‌خوانند که «ما پناه دل‌های شکسته ایم»، باید حقیقتاً این طور باشد. نیروی انتظامی باید پناه دل‌های خائف و ترسان و جانمایی که احساس می‌کنند از سوی یک انسان یا جمع و مجموعه‌ای تهدید می‌شوند، باشد. وجود نیروی انتظامی، باید احساس امنیت را در مردم به وجود آورد. این، شأن نیروی انتظامی در نظام جمهوری اسلامی است.

با این که در نیروی انتظامی، این همه کار انجام گرفته و بحمدالله تلاش‌های کیفی زیاد و فعالیت‌های خوبی شده است - بخصوص در این اواخر احساس می‌شود که یک حرکت جدی و حقیقی برای سازندگی درونی نیرو که همان سازندگی معنوی و بشری است آغاز شده است و در داخل نیرو، با عناصری که احیاناً متخلفند، واقعاً برخورد می‌شود، که این مورد تأیید ماست و باید باشد و با جدیت همین حرکت ادامه پیدا کند - درعین حال، تأکید خودمان را باز هم داریم: عزیزان من! هر چه می‌توانید، در سالم سازی فضای درونی نیروی انتظامی تأکید کنید. هر چه می‌توانید، خود شما تخلفات داخلی نیروی انتظامی را بزرگ بشمارید. مردم قدردان کار شما هستند. حال نگاه نکنید که احیاناً روزنامه یا مقاله نویسی، با اهداف گوناگونی که احیاناً بعضی از روزنامه نگاران دارند، سر قضیه کوچکی جنجال کنند و به بهانه‌های بی‌خودی، حیثیت نیروی انتظامی را مورد سؤال قرار دهند. مردم وقتی می‌بینند که می‌توانند کار کنند، کسب کنند، تحصیل کنند، فرزندانشان در اقصی نقاط کشور از این روستا به آن روستا بروند، بیایند و درس بخوانند، در نقاط دوردست کشور کارهای سازندگی با این حجمی که امروز وجود دارد، انجام گیرد، احساس می‌کنند که امنیت هست. اگر خیمه امنیت بر سر کشور زده نشده باشد، مگر می‌شود این همه کار و تلاش انجام گیرد؟ پس، نیروی انتظامی حاضر و ناظر و فعال است. اینها را مردم می‌فهمند و قدر می‌دانند. درعین حال، شما قانع نشوید. اگر یک مورد احساس کردید که در گوشه‌ای از کشور مسؤولی در نیروی انتظامی هست که به وظیفه خود عمل نمی‌کند، به سراغش بروید و کارش را دنبال کنید. اگر کوتاهی دیدید، حتماً این کوتاهی - قصور یا تقصیر - را پیگیری کنید. اگر خدای نکرده از کسی تخلف یا خیانتی دیدید، هیچ اغماض نکنید. یکی از جاهایی که نباید اغماض بشود، این جاست. اگر خدای نکرده کسی در دستگاهی که مردم چشم امید به این دارند که در مقابل متخلف و تهدیدکننده



آسایش و امنیت مردم بایستند، احساس تخلف کند و خدای نکرده تعرضی به امنیت مردم از درون آن جا بشود، این گناه خیلی بزرگی است. نباید اغماض شود، تا نیروی انتظامی همان چیزی بشود که نظام اسلامی لازم دارد؛ یعنی مقتدر، سربلند، عزیز، باعظوفت و رحمت و حاضر در همه نقاط. در مقابله با کسی که زندگی و امنیت مردم را تهدید می کند، سرسخت، شجاع و پیگیر؛ در مقابله با کسی که تهدید می شود، رحیم و عطف و مهربان، مثل پدر و برادر. اگر این طور شد، کشور در بستر راحتی از امنیت قرار می گیرد و همه می توانند کارها و وظایف خودشان را انجام دهند. آن وقت، خیر و ثواب معنوی هر تلاشی، به شما برمی گردد و شما هم سهیم و شریک می شوید. ثواب الهی را که نباید ندیده گرفت. این مسائل دنیوی، بخشی از قضیه است. «و ما عندالله خیر و ابقی» مهم است. بدانید، هر شبی، هر ساعتی و هر لحظه ای که شما رنجی می برید، مراقبتی می کنید، به تلاشی می پردازید و زحمتی می کشید، کرام الکاتبین آن را می نویسند، در پرونده شما مضبوط می شود و در هنگامی که شما نهایت نیاز را به آن دارید، عین همان عمل صالح برای شما حاضر و ناظر است و به کمکتان می آید.

عاقبت خوب متعلق به کسانی است که در این راه، این طور حرکت کنند. کشور در مرحله ای است که به این تلاشهای مخلصانه نیاز دارد؛ بخصوص بخشی اعظمی از مردم که با کمال نجابت ایستاده اند و می خواهند برطبق قوانین و مقررات اسلامی و نظام جمهوری اسلامی حرکت و کار کنند و بنای تخلف ندارند. با آن دسته متخلف باید برخورد شود؛ همه باید برخورد کنند. بخشی از آن مربوط به نیروی انتظامی است، بخشی هم مربوط به قوه قضاییه است. در مقابله با متخلف، نباید کوتاهی و اغماض کرد، تا کسانی که از آن تخلف زیان می بینند، امیدوار شوند. وقتی ما می گوئیم دستگاه - چه دستگاه قضایی، چه دستگاه قانونگذاری و چه دستگاه انتظامی و غیره - با کسانی که با ثروتهای عمومی بازی می کنند و برای دست انداختن به درآمدهای ناپاک و نامشروع حدی قائل نیستند، باید برخورد کند، به خاطر این است. کسانی هستند که تلاش می کنند و حقیقتاً در صد این هستند که طبقه ممتاز جدیدی در نظام جمهوری اسلامی به وجود آورند. به خاطر انتخابها و انتصابها و زرنگیها و دست و پاداریها و مشرف بودن بر مراکز ثروت، و از طریق نامشروعی که با زرنگی آن را یاد گرفته اند، به اموال عمومی دست بیندازند و یک طبقه ای جدید - طبقه ممتازان و مرفهان بی درد - درست کنند. نظام اسلامی، با مرفهان بی درد و معارض و مخل، آن طور برخورد سختی کرد؛ حال از درون شکم نظام اسلامی، یک طبقه مرفه بی درد جدید طلوع کند! مگر این شدنی است؟! به فضل پروردگار، مخلصان انقلاب و اسلام نخواهند گذاشت که چنین انحرافهای بزرگی به وجود آید. وقتی ما می گوئیم که باید با طبقه ی بهره مندان از پولهای حرام مقابله شود، فوراً یک عده نگران می شوند که امنیت سرمایه گذاری در جمهوری اسلامی به خطر افتاد! نه؛ امنیت سرمایه گذاری و امنیت تلاش اقتصادی به خطر نمی افتد، این کمک به آن سرمایه گذاریهاست. دستگاه قضایی، دستگاه قانونگذاری و دستگاههای گوناگون کشور، با متخلف برخورد می کنند، نه با غیر متخلف. کسی که متخلف نیست، چرا بترسد؟ کسی که متخلف است و می ترسد، بگذار بترسد و احساس ناامنی کند. در نظام اسلامی، آدم گناهکار باید احساس ناامنی کند. هر نظامی که در آن بی گناهان بترسند که مبادا مورد تعرض قرار گیرند و گناهکاران عمده احساس آسایش و آرامش کنند، آن نظام، نظام منحرفی است. نباید بگذاریم نظام ما این گونه شود. در نظام اسلامی، متخلف و گناهکار و متخطی - هر که هست - باید احساس نگرانی کند و بداند که پنجه عدالت، دیر یا زود گریبان او را خواهد چسبید. سرپنجه عدالت باید قوی باشد. دستگاه قضایی باید قوی باشد. نیروی انتظامی در چارچوبی که قانون برای او معین کرده است، باید قوی باشد. قوت و اقتدار و سرپنجه پولادین با مردم ضعیف بد است؛ دست خشن، هنگام چیدن گلبرگ مضر است؛ اما هنگام جابه جا کردن صخره ها لازم است. بگذارید آدمهایی که متخلفند، احساس ناامنی کنند. از چه می ترسید؟ می گویند قانون نداریم. من به مجلس شورای اسلامی عرض می کنم: نمایندگان محترم! اگر قوه قضاییه و دستگاه انتظامی، برای مقابله با ثروتهای بادآورده دچار کمبود قانونند، در اسرع وقت برایشان قانون فراهم کنید. من احتمال می دهم که در مواردی



کمبود قانون باشد؛ چون پیش آمده و دیده ایم.

نظام اسلامی، نظام عدالت است. شما که آرزومند و مشتاق ظهور خورشید مهدویت در آخرالزمان هستید و الان حدود هزار و دویست سال است که ملت اسلام و شیعه در انتظار ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و جعلنا الله فداه است، چه خصوصیتی برای آن بزرگوار ذکر می کنید؟ «الذی یملاً الله به الارض قسطاً و عدلاً». نمی گوئید که «یملاً الله به الارض دیناً». این، نکته خیلی مهمی است. چرا به این نکته توجه نمی کنیم؟ اگر چه قسط و عدل متعلق به دین است، اما هزار سال است که امت اسلامی برای قسط و عدل دعا می کند. این نظام اسلامی به وجود آمده است؛ اولین کارش اجرای قسط و عدل است. قسط و عدل، واجبترین کارهاست. ما رفاه را هم برای قسط و عدل می خواهیم. کارهای گوناگون - مبارزه، جنگ، سازندگی، توسعه - را برای قسط و عدل می خواهیم؛ برای این که در جامعه عدالت برقرار شود، همه بتوانند از خیرات جامعه استفاده کنند و عده ای محروم و مظلوم واقع نشوند. در محیط قسط و عدل است که انسانها می توانند رشد کنند، به مقامات عالی بشری برسند و کمال انسانی خودشان را به دست آورند. قسط و عدل، یک مقدمه واجب برای کمال نهایی انسان است. چطور می شود به این قضیه بی اعتنایی کرد؟ دنیا انصافاً دنیایی است که به قسط و عدل بی اعتناست. ما در این زمینه باید بگوییم که به عنوان یک حکومت، در دنیا خیلی تنهایییم. به این شعارهایی که در دنیا می دهند، نگاه کنید! اساس حکومتهای دنیا، اساس عدل و رعایت حقوق انسانها و رعایت ضعفا و محرومان نیست. شما ببینید امروز جنایات رژیم صهیونیستی با مسلمانان چه می کند؛ با اسلام و مقدسات اسلامی چه می کند! ببینید امریکا - که گناه بزرگ این قضایا به گردن رژیم شیطان بزرگ امریکاست - چگونه از اینها حمایت می کند! حادثه مهمی پیش می آید، وجدان دنیایی اسلام به هیجان می آید، به عزیزترین مقدسات اسلام اهانت می شود، از اطراف دنیایی اسلام سر و صدا بلند می شود؛ اما امریکاییها دو کلمه اظهار تأسف می کنند! عجب! اظهار تأسف خشک و خالی بی ارزش در مقابل یک حرکت عظیم اسلامی به این صورت! علمای بلاد اسلام، روشنفکران و توده های مردم در مقابل این اهانت صهیونیستها به هیجان آمدند - کار به ماهیت قضایا ندارم؛ حرکت دنیایی اسلام حادثه مهمی است - آن وقت آنها در مقابل این حرکت عظیم مردم، فقط اظهار تأسف می کنند؛ عوض این که در رفتار و حمایت خود از صهیونیستها ظالم و سفاک و قانون شکن، اندکی تجدیدنظر کنند! این، بی اعتنایی به انسانیت و ارزشهای انسانی و خواست مجموعه عظیم انسانی نیست؟! ادعای طرفداری از انسان هم می کنند! امروز شعار عدالت اجتماعی، شعار غریب و مظلومی در دنیاست. این پرچم هم در دست شماست؛ همچنان که امروز پرچم دفاع از ارزشهای معنوی در دست ملت ایران است. البته در میان ملتها خیلی طرفدار دارید؛ بخصوص در میان ملتهای اسلامی، خیلیها دلشان برای این شعارها و این حرکت عمومی ملت ایران می تپد؛ ولی دولتها و حکومتها حکم دیگری دارند.

شعار عدالت اجتماعی نیز همین طور است. اهتمام به مسأله عدالت اجتماعی در کشور، نباید یک لحظه کاستی بگیرد. البته این قضیه، قضیه شعاری نیست، با گفتن هم مسأله تمام نمی شود؛ همه دستگاهها باید تلاش کنند. همین کارهایی که امروز در کشور انجام می گیرد، همه لازم است و باید انجام گیرد؛ منتها جهت اینها باید جهت تأمین عدالت اجتماعی باشد. از مسؤولان اجرایی، تا مسؤولان قضایی، تا قانونگذاران، تا روحانیان، تا گویندگان، تا روزنامه نگاران، تا روشنفکران و دیگران، همه باید این را وظیفه خودشان بدانند. اگر جهتگیری عدالت اجتماعی در کشور ضعیف شود، هر کاری در کشور انجام گیرد، به زیان طبقات ضعیف و عامه مردم و به سود یک عده معدود زرنگها و گردن کلفتها و دست و پادارها و قانوندانهای قانون شکن که راههای قانون را بلدند و قانون شکنی را هم می دانند، تمام خواهد شد. مجموعه ای از این کارها به عهده همه است؛ بخشی از آن هم که قابل اهمیت است، به عهده شما عزیزان نیروی انتظامی است. راه اصلاح و تکمیل و گسترش کیفی و همچنین به قدر لازم، گسترش کمی را با جدیت و قدرت دنبال کنید؛ همان گونه که بحمدالله چندی است احساس می شود که در نیروی انتظامی واقعاً



حرکتی محسوس است. همین حرکت را با قوّت و قدرت ادامه دهید؛ خدا هم به شما کمک خواهد کرد. البته مسؤولان بودجه و پشتیبانی هم باید اهمیت این مسأله را بفهمند و تا آن جایی که ظرفیت کشور اجازه می‌دهد، همکاری و کمک کنند.

ان شاء الله که مشمول ادعیه زاکیه حضرت بقیة الله ارواحنفاذاه باشید و روح مطهر امام بزرگوارمان در آن عالم دعاگویی شما باشد و حتماً هم این دعاها اثر خواهد کرد. ان شاء الله برکات ارواح مطهره شهدا روزبه روز به شما عاید و واصل شود.  
والسلام علیکم و رحمة الله و برکاته